

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه چهل و سوم ۱۷/۱۰/۹۶

لزوم پاسخگوئی روشمند به شبهات (۴۲) - آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۱۱)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

پرسش:

استادا! وهابی‌ها می‌گویند شیعیان قائل به کفر ابوبکر و عمر هستند بعد آن روایت را از بحار الأنوار می‌آورند که امام صادق علیه السلام می‌فرماید کسی که منصب امامت را ادعا کند و قائل به آن نباشد کافر است.

پاسخ:

این‌که می‌فرماید:

«من ادعى إمامةً وليس لها أهل فهو كافر»

بحث سر این است که کافر، به چه معنا است؟ یک کفر در برابر اسلام داریم، یک کفر در برابر ایمان داریم، یک کفر در برابر عدم شکر داریم.

(وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ)

سوره آل عمران (۳): آیه ۹۷

آیا این جا کَفَرَ به معنای کفر در برابر اسلام است؟

همان فرمایش آقای خویی را ما می‌گوییم، اگر کسی از آیات و روایات استفاده کند که امامت ائمه علیهم السلام

«جزء ما نُزل على النبي»

است مثل نماز، زکات، حج، روزه قطعاً انکار چنین چیزی خروج از دین است، یعنی انکار ضرورتی از ضروریات دین است.

این که ما می‌گوییم:

«من أنکر إمامة أحد من الأئمة»

بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۲۳ ؛ ص ۳۹۰، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار إحياء التراث العربي - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

با این نیت است یعنی

«ثبت له بأن الإمامة أمر الهی وشرعی نزل به محمد صلی الله علیه واله و سلم»

یا نه به تعبیر آقای خویی

«تقليداً عن علمائهم وآبائهم»

نمی‌دانند که امامت، جزء ضرورتی از ضروریات دین است در این صورت اگر کسی انکار بکند قطعاً ملازم خروج از دین نیست.

در این جا ما جواب نقضی هم می‌دهیم شما می‌گویید:

«وإن أنكر خلافة الصديق فهو كافر»

فتاوی السبکی، ج ۲ ص ۵۷۶، اسم المؤلف: الامام أبي الحسن تقي الدين علي بن عبد الكافي السبكي الوفاة:

۷۵۶هـ، دار النشر: دار المعرفة - لبنان / بيروت

«من أنكر إمامة أبي بكر رضي الله عنه فهو كافر»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقه، ج ۱، ص ۱۳۹، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد

بن علي ابن حجر الهيتمي الوفاة: ۹۷۳هـ، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ۱۴۱۷هـ - ۱۹۹۷م، الطبعة:

الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط

مراد شما چیست؟ یعنی تمام شیعیان را شما کافر می دانید؟ هم جواب نقضی و هم جواب حلی است.

پرسش:

منظورشان شاید کفر اعتقادی نباشد کفر عملی است.

پاسخ:

هر چه باشد. امام راحل رضوان الله تعالى عليه می گوید: اگر ما از این روایات کفر اهل سنت را ثابت کنیم سیره

ائمه را شما چطور می خواهید توجیه کنید؟ ائمه ای که با این ها رفت و آمد داشتند ملاطفت داشتند، زن سنی

داشتند یعنی این ها معتقد بودند که این ها کافر و نجس هستند و بعد با این ها معاشرت داشتند؟!

بهترین جواب فرمایش امام است خود معاشرت ائمه، معاشرت اصحاب ائمه که مستقیماً شریعت را از زبان

ائمه گرفته اند، برای ما بهترین دلیل است که ما بیاییم این روایات را به نحوی توجیه کنیم که با سیره ائمه، با

سیره متشرعین تطبیق بکند.

در رابطه با بحث مبادی اعتقادی و فکری احمد ابن حنبل که امروز وبال جهان اسلام شده و وهابی‌ها هم خودشان را احیاگر این تفکر می‌دانند، چند مورد از این‌ها را بیان کردیم. جلسه قبل رؤیت را بحث کردیم که ان‌ها قائلند:

«علم الکلام علم منکر ولا يجوز استلهام العقائد منه»

علم کلام، علم منکر است و اعتقادات را نمی‌شود از علم کلام گرفت.

علم کلامی که معمولاً با محوریت توحید، نبوت و... است این به چه نحوی است ما نفهمیدیم چطور منکر است؟ اگر آقایان فلسفه را علم منکر بگویند یک مسئله‌ای است ولی علم کلام را که این طوری می‌گویند ما نفهمیدیم.

«الاعتقاد بالقضاء والقدر ممّا یکتمل بهما الإیمان، وهما من الله تعالی»

قضا و قدر و آنچه که برای عبد اتفاق می‌افتد خوب و بدش نستجیز بالله همه از طرف خدای عالم است.

«الکبائرُ لاتجعل المؤمنَ کافراً»

برخلاف آن‌هایی که می‌گفتند مرتکب کبیره، مثل خوارج و... کافر است.

نکته دیگر

«خلافاتُ الصحابةِ یجب العدول عن التعرض لها»

این خیلی مهم است من بارها گفته‌ام اختلاف اساسی ما با اهل سنت، بحث صحابه است. وهابی‌ها جدا هستند.

اگر کسی عقل داشته باشد، اصلاً وهابی نمی‌شود وهابی‌ها اصلاً عقلی ندارند.

شما ۵۰ ساعت هم برای یک وهابی، حدیث و آیه بخوانید از الف به ب نمی‌آید. ولی ما با اهل سنتی که غالباً اهل منطق هستند با آنها می‌شود نشست با آنها بحث و صحبت کرد. اشکال و اختلاف اساسی بین ما با آنها بحث صحابه است.

یعنی شما از هر مسیری که بروید آنها به صحابه می‌چسبانند در مناظرات گیر می‌کنند صحابه، در بحث کم می‌آورند صحابه، بحث امامت است صحابه، بحث توحید و صفات است، سراغ صحابه می‌روند ولذا اگر ما در رابطه با صحابه محترمانه، مؤدبانه و مستدل و مبرهن بنشینیم با این‌ها قضیه را حل کنیم این مسائلی که شما از صحابه نقل می‌کنید این صحابه‌ای که یکدیگر را تکفیر می‌کردند یکدیگر را تکذیب می‌کردند، چه کار می‌خواهید بکنید؟!

ابن عباس می‌گوید فلانی والله کافر، امیر المؤمنین همین تعبیر را دارند. عایشه می‌گوید والله فلانی کافر یا راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید در هر دو صورت شما نمی‌توانید به قول این صحابی عمل کنید.

راست هم بگوید پس کفر آن یکی ثابت شد به قول او نمی‌توانید استناد کنید. دروغ بگوید نسبت کفر داده است. در روایات، خود شما اهل سنت آورده‌اید اگر کسی فردی را تکفیر بکند آن طرف صلاحیت تکفیر نداشته باشد کفر به خود مُکفّر بر می‌گردد.

این‌ها را می‌خواهید چه کار کنید؟ تعبیر ذهبی است حرف ذهبی را شما به عنوان وحی مُنزل می‌دانید. در کتاب الرواة الثقات المتکلم فیهم بما لا یوجب ردهم می‌گوید:

«فبعض الصحابة کفر بعضهم بتأویل ما»

بعضی از صحابه با کوچک‌ترین تأویل، دیگری را تکفیر کردند.

الرواة الثقات المتکلم فیهم بما لا یوجب ردهم - (ج ۱ / ص ۲۳)

تکفیر صحابه علیه یکدیگر را چطور می‌خواهید توجیه کنید؟ بحث این نیست که ما بگوییم در مسئله احکام است مثلا تسبیحات اربعه، سه تا است یا یکی است؟ منی نجس است یا نیست؟ اجتهاد در آنجا به هر طرفی برود جایی را خراب نمی‌کند اینجا بحث تکفیر یک مسلم است.

تکفیر یک مسلم به تأویل ما، می‌خواهد چه کار بکند؟ یا راست است یا دروغ است. راست باشد آن‌ها از درجه اعتبار می‌افتند دروغ باشد این از درجه اعتبار می‌افتد.

تفتازانی از استوانه‌های کلامی‌شان است در شرح مقاصد می‌گوید:

«أن ما وقع بين الصحابة من المحاربات والمشاجرات على الوجه المسطور في كتب التواريخ والمذكور على ألسنة الثقات يدل بظاهرة على أن بعضهم قد حاد عن طريق الحق»

...از طریق حق بیرون رفتند

شرح المقاصد في علم الكلام - (ج ۲ / ص ۳۰۶)

«وبلغ حد الظلم والفسق وكان الباعث له الحقد والعناد والحسد واللداد وطلب الملك والرياسة والميل إلى اللذات والشهوات إذ ليس كل صحابي معصوما»

اگر مراد این است وقتی معصوم نیست این شخصی که این حرف را دارد می‌زند ما از کجا بدانیم این حرف را از روی هوا گفته است یا نه؟

شما وقتی می‌گویید:

«أن كثير الصحابة قد حاد عن طريق الحق وبلغ حد الظلم والفسق»

آیا با این حال می‌شود به قول صحابه عمل کرد؟

پرسش:

شاید منظورشان این بوده اگر اجماع صحابه یک عملی انجام بدهند مورد قبول است نه تک تک.

پاسخ:

نه، چنین چیزی ندارند. این‌ها قول صحابه، خبر واحد را حجت می‌دانند. خبر واحد از دیدگاه اهل سنت حجت است بلا ریب. کاری به اجماع ندارند اجماع را معصوم می‌دانند.

می‌گویند اگر اجماع صحابه شد،

«لاتجتمع امتی علی الخطا»

دلال بر عصمت اجماع است ایشان می‌گویند:

«بلغ حد الظلم والفسق»

اگر بلغ حد الظلم والفسق است شما دیگر عدالت را چه معنا می‌کنید؟ قبلاً هم بحث کردیم که آقایان بحث عدالت را مانند شیعه تفسیر می‌کنند عدالت، ملکه‌ایی است که انسان را از ارتکاب کبائر و اصرار بر صغائر حفظ می‌کند اقوال بزرگان‌شان را ما نقل کردیم. در این صورت:

« وبلغ حد الظلم والفسق ... إذ لیس کل صحابی معصوماً ولا کل من لقی النبی صلی الله علیه وسلم بالخیر موسوماً »

این را چه کنیم؟ بعد می‌گویند:

«إلا أن العلماء لحسن ظنهم بأصحاب رسول الله»

آیا آقای تفتازانی که می‌گویند: بلغ حد الظلم والفسق، دیگر جایی برای حُسن ظن گذاشت؟

بعد می‌گوید:

«ذکروا لها محامل وتأويلات بها تليق وذهبوا إلى أنهم محفوظون عما يوجب التضليل والتفسيق»

بلغ حد الظلم والفسق والعناد گفت یک کسی که فاسق بود وقتی باکی از کذب ندارد شما نمی‌دانید این روایتی که از امام یا از معصوم یا از پیامبر نقل می‌کند راست یا دروغ است؟ اگر دروغ باشد آیا این حدیث دروغ باعث تضلیل نیست اگر این تضلیل نیست پس تضلیل چیست؟ اگر این تفسیق نیست پس تفسیق چیست؟

«صونا لعقائد المسلمين»

این مهم است!

«صونا لعقائد المسلمين عن الزيغ والضلالة»

چون مسلمان‌ها عقایدشان را از صحابه گرفتند، اگر ما صحابه را مخدوش کردیم عقاید مسلمین زیر سوال می‌رود. تمام رمز کار، روی این کلمه است. ما باید روی همین عبارت تأکید کنیم.

مسئله این است که می‌گوید:

«صونا لعقائد المسلمين عن الزيغ والضلالة»

آقای تفتازانی! این حرفی که شما می‌زنید آیا این حرف شما مستند به آیه‌ای از آیات خدا یا حدیثی نبوی است؟ آیا رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرموده صحابه من هر جنایتی کردند شما توجیه بکنید؟! واقعاً این است! یا نه خود رسول اکرم صلی الله علیه وآله تعدادی از صحابه را که به حد فسق رسیدند شراب خوردند زنا کردند دزدی کردند خود رسول اکرم به آن‌ها حد جاری کرد آیا شما کاتولیک‌تر از پاپ شده‌اید؟!!

شما نسبت به صحابه چه کار می‌کنید؟ آیا شما از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نسبت به صحابه دلسوزتر هستید؟!

در صحیح بخاری است ابن نعمان شراب خورد،

«فَأَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... أَنْ يَضْرِبُوهُ»

الجامع الصحيح المختصر، ج ۶، ص ۲۴۸۷، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا

پیغمبر حد جاری کرد.

آقای تفتازانی! شما که می‌گویید ما موظف هستیم صحابه کارهای خلاف و فسقی که می‌کنند توجیه کنیم سنت و سیره پیغمبر خلاف این است شما بهتر احترام صحابه را دارید یا خود رسول اکرم صلی الله علیه وآله؟
در صحیح بخاری آمده است:

«عَبَدَ اللَّهُ وَكَانَ يُلَقَّبُ حِمَارًا ... وَكَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ جَلَدَهُ فِي الشَّرَابِ»

الجامع الصحيح المختصر، ج ۶، ص ۲۴۸۹، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا

امراه مخزوميه دزدی کرد پیغمبر اکرم دستور داد دستش را قطع کنند مردی از صحابه زنا کرد پیغمبر دستور داد رجمش کنند همه این‌ها در کتاب صحیح بخاری است.

«رَجُلٌ مِنَ الصَّحَابَةِ زَنَى بِأَمْرَأَةٍ مُسْتَأْجِرَةٍ (مُسْتَأْجِرَةٌ) فَأَمَرَ النَّبِيُّ بِجُلْدِهِ وَتَغْرِيْبِهِ عَاماً»

هم شلاق زدند و یک سال هم از مدینه تبعیدش کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به قطع دست دزد فرمان دادند و در مرتبه پنجم به قتل او فرمان دادند. همه این‌ها در عصر پیغمبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته شما می‌گویید ما موظف هستیم هر چه از آن‌ها بود توجیه کنیم.

عبدالرحمن ابن عمر، عقبه ابن حارث، بدری هم هست شراب خوردند عمر ابن الخطاب، دستور داد به آن‌ها حد شراب زدند، عمر ابن الخطاب توجیه نکرد.

ابو مہجن ثقفی چندین بار شراب خورد او را شلاق زدند، عاقبت هم زندانی کرده و به زنجیر بستند.

ولید ابن عقبه شراب خورد نماز صبح را چهار رکعت خواند عمر ابن الخطاب، دستور شلاق داد.

عقبه ابن حارث شراب خورد بدری هم هست. قدامه ابن مظعون بدری است که شما در مورد بدری می‌گویید خدا گفته:

«اعْمَلُوا مَا سِئْتُمْ فَقَدْ عَفَرْتُ لَكُمْ»

الجامع الصحيح المختصر، ج ۳، ص ۱۰۹۵، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا

چطور شد خلیفه دوم از این آیه، حدیث و سنت خبر نداشت؟ آقای تفتازانی! شما خبر داری؟!

مشکل اساسی ما روی همین عبارتها است.

اما آن سوالی که در مورد ظلم به اهل بیت پرسیدید:

«صونا لعقائد المسلمين عن الزيغ والضلالة في حق كبار الصحابة سيما المهاجرين منهم والأنصار والمبشرين بالثواب في دار القرار وأما ما جرى بعدهم من الظلم على أهل بيت النبي صلى الله عليه وسلم فمن الظهور بحيث لا مجال للإخفاء»

شرح المقاصد في علم الكلام - (ج ۲ / ص ۳۰۷)

این که بعد از پیغمبر آمدند به اهل بیت مثل سید الشهداء و... جنایت کردند اینها قابل مخفی کردن نیست.

بعد می گوید:

« فمن علماء المذهب من لم يجوز اللعن على يزيد مع علمهم بأنه يستحق ما يربوا على ذلك ويزيد»

یزید ابن معاویه مستحق لعن بلکه بالاتر از لعن است. ولی علمای اهل سنت اجازه لعن او را نمی دهند.

چرا؟

«قلنا تحاميا عن أن يرتقي إلى الأعلى فالأعلى»

ما می ترسیم اگر گفتیم یزید را لعن کنید، لعن از یزید بالاتر برود به معاویه و از معاویه به جاهای بالاتر برود و

به جاهای باریک برسد!

برای این که به جاهای باریک نرسد ما در همین جا می گوئیم یزید را شما لعنت نکنید.

آیا

«أمن الإنصاف يابن الطلقاء»

این است؟

پرسش:

در عبارت بالا نوشتید کل اصحاب معصوم نیستند یعنی بعضی‌های‌شان معصوم هستند. منظورتان این است

یا نه؟

پاسخ:

نه،

«لیس کل صحابی»

به صورت نکره در سیاق نفی است یعنی

«کل الصحابه لیس بمعصوم»

نکره در سیاق نفی افاده عموم می‌کند.

آدم قلبش به درد می‌آید ذهنی در کتاب سیر اعلام النبلاء، می‌گوید:

«تقرر عن الكف عن كثير مما شجر بين الصحابة وقتالهم رضي الله عنهم أجمعين!»

سیر اعلام النبلاء - (ج ۱۰ / ص ۹۲)

خدای متعال در قرآن می‌فرماید:

(وَمَنْ يَفْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا)

سوره نساء (۴): آیه ۹۳

ایشان می‌گوید:

«وقتلهم رضي الله عنهم أجمعين!»

بعد می‌گوید:

«هذا فيما بأيدينا وبين علمائنا»

این روایاتی که در رابطه با قتال و محاربات صحابه در دست ما و در دست علما وجود دارد،

«فينبغي طيه وإخفاؤه»

سزاوار است همه را نابود و از مردم مخفی کنیم!

«لتصفو القلوب»

تا قلبها نسبت به صحابه صفا پیدا کند و صاف بشود!

«وتتوفر على حب الصحابة، والترضي عنهم، وكتمان ذلك متعين عن العامة وآحاد العلماء»

این که روایات مربوط به صحابه را از عوام مخفی می‌کنید معلوم است، ولی اینکه می‌گویید از تک تک علما هم

مخفی کنیم - انسان واقعاً از حرف‌های تان تعجب می‌کند - آقای ذهبی خودت که از علما هستی!

«وقد يرخص في مطالعة ذلك خلوة للعالم المنصف العربي من الهوى، بشرط أن يستغفر لهم»

بعضی از علمایی که آدم‌های منصف و از هوا دور هستند را مخفیانه در خانه‌مان پشت درهای بسته دعوت کنیم

به آن‌ها چای و قهوه بدهیم مشغول بشوند! بعد این مطالب علیه صحابه را برای آن‌ها نقل کنیم. به شرط این که

بگوییم من که این جنایات صحابه را نقل می‌کنم تو بلافاصله برای‌شان استغفار کنی.

خدا می‌داند اگر این‌ها را یک شتر چران بیابان‌های ریاض بگوید آدم گلابه نمی‌کند ذهبی که از استوانه‌های علمی‌شان است این حرف را می‌گوید آدم تعجب می‌کند.

من بارها گفتم می‌گویند اهل سنت عیال چهار نفر هستند: ذهبی، مزّی، زین الدین عراقی، ابن حجر عسقلانی. این‌ها اگر فردی مثل ذهبی را حذف کنند یک چهارم رکن اهل سنت به باد رفته است.

ابن حجر هم فقیه، هم اصولی و هم رجالی است زین الدین عراقی اصلاً کاری به رجالی ندارد از استوانه‌های فقهی‌شان است مزّی در رجالی کار کرده است. ذهبی غیر از رجالی فراوان کار کرده است.

پرسش:

کلام الاقران چیست؟

پاسخ:

بحثش جدا است این‌که می‌گوید علمای رجالی ما هم یکدیگر را تضعیف کرده‌اند و به همدیگر فحش می‌دهند.

پرسش:

اقران منظورش چه است؟

پاسخ:

اقران یعنی هم قرن باشند، از علمای ما آن‌هایی که هم قرن هستند علیه همدیگر حرف می‌زنند حرف اقران را نسبت به یکدیگر شما قبول نکنید.

اولش را از خود علما گرفته اختلافی که بین علماء و بزرگان ما هست و همدیگر را رد می‌کنند.

«کلام الأقران إذا تبرهن لنا أنه بهوى وعصبية لا يلتفت إليه بل يطوى ولا يروى»

بدبختی این است که خود علمای رجال اهل سنت همدیگر را تضعیف و تفسیق می کنند، تکفیرش را من ندیدم ولی آن چنان علیه همدیگر حرف می زنند آدم می ماند که این شخص در رابطه با یک کسی که هزار تا زنای محصنه کرده دارد حرف می زند.

اگر شما به اقوال علمای رجال نسبت به همدیگر نگاه کنید بساط رجال اهل سنت برچیده می شود.

وقتی یک عالم رجالی فاسق و فاسد بود شما با این شخص می خواهید وثاقت روات را تثبیت کنید؟ وقتی که خودش فاسق است شما چطور می توانید وثاقت روات را تثبیت بکنید؟!

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته